

سید محمدعلی جمالزاده

یک کتاب خواندنی

« آخرین مأموریت »

یا سیر و سیاحتی در اطراف ایران

ویاچه

« آخرین مأموریت » اسم کتابی است بقلم آقای ممتازالدین مهدوی باز نشسته وزارت فرهنگ که درباره سرکشی و بازرسی هشتاد روزه خود در مدارس استانهای کرمان و بلوچستان و سیستان و بنادر جنوب و جزایر بحر عمان نوشته و در سنه ۱۳۴۲ شمسی در طهران در ۲۲۱ صفحه بطرز مرغوبی با نقشه و تصاویر و نمونه هایی از خط خوش مؤلف و مینیاتورهای قلمی او بچاپ رسیده است .

پس از آنکه راقم این سطور چند سال پیش در خصوص مجموعه اشعار شرفالدین خراسانی که با عنوان « پژواک » در طهران (۱۳۳۷ شمسی بچاپ رسیده بود شرحی در مجله « راهنمای کتاب منتشر ساخت هفته ای نمیگذرد مگر آنکه از ایران یکی دو کتاب (و گاهی بیشتر) که تازه بچاپ رسیده است برایم نفرستند . معلوم است که مؤلفین محترم بی میل نیستند که کتابشان به موطنان معرفی شود ولی اولاً بعضی از آن کتابها بقدری خوب و ممتاز است که الحق هیچ احتیاجی ب معرفی و توصیه ندارد و شك نیست که جای خود را در میان کسانی که طالب کتابند باز خواهد کرد و ثانیاً بسیاری از آن کتابها از مباحثی گفتگو میکند که از دایره صلاحیت و وقوف و اطلاع من بکلی بیرون است و اگر چیزی در آن باب بنویسم حکم فضولی را پیدا خواهد کرد و برآستی که درین سن و سال دلم راضی نمیشود که پا از گلیم خود بیرون بنهم و خلاصه آنکه اگر دماغ و مجالی باقی باشد تنها درباره کتابهایی که مستقیماً یا بطور غیر مستقیم باشفل و حرفه ام یعنی داستانشرائی سروکار دارد بمنظور تفریح و تفنن خاطر هموطنان مطالبی پریشان و بی سروته بروی کاغذ میآورم و بیکی از مجله های فارسی تقدیم میدارم تا اگر قابل درج باشد بچاپ برسانند .

و انگهی شرط معرفت اعراف بودن است و بدون آنکه قصد شکسته نفسی ریائی داشته باشم بخوبی میدانم که آقایان عظام و مخادیم گرامی که آثار خود را از راه لطف و عنایت برایم

میفرستند بمراتب از ارادتمند دعاگوی خود فاضلتر و داناتر و معروفتر هستند و ابداً احتیاجی ب معرفی من و امثال من ندارند .

اکنون پس ازین مقدمه که در حقیقت در حکم عذرخواهی و طلب پوزش است باید بعرض برسانم که باز گاهی که خود را با کتاب تازه ای مواجه می بینم که دلبذیر و سودمند و آموزنده است طبعاً در خاطر رغبتی بیدار میگردد که توجه هموطنان را بدان جانب معطوف سازم و کتاب «آخرین مأموریت» که نقداً موضوع این گفتار است کاملاً دارای این صفات و محسنات است یعنی هم دلبذیر است و هم سودمند و هم آموزنده و ازین مزایات گذشته بقلم یک تن از همشهریهای اصفهانی من برشته تحریر آمده است که میدانم عمو زاده اش مرحوم سید عبدالوهاب معین العلماء از مشروطه طلبان صمیمی صدر انقلاب با پدرم دوستی و یکجهتی فراوان میداشت و لهذا میتوانم ادعا نمایم که قلم عنان گسیخته بلا اختیار بحرکت آمد و با همه گرفتاریهایی که دارم جادارد برآستی و وقتی پای اصفهان بمیان میآید بگویم:

هزار گونه بلنکم بهره‌ری که روم رهی که آن بسوی تست ترکناز کنم
 و اگر مبنای کار را ذوق و شوقی قرار بدهیم که در تهیه این مقاله موجود است میتوان امیدوار بود که موجب رضای خاطر خوانندگان گرامی را فراهم خواهد ساخت .

قسمت اول

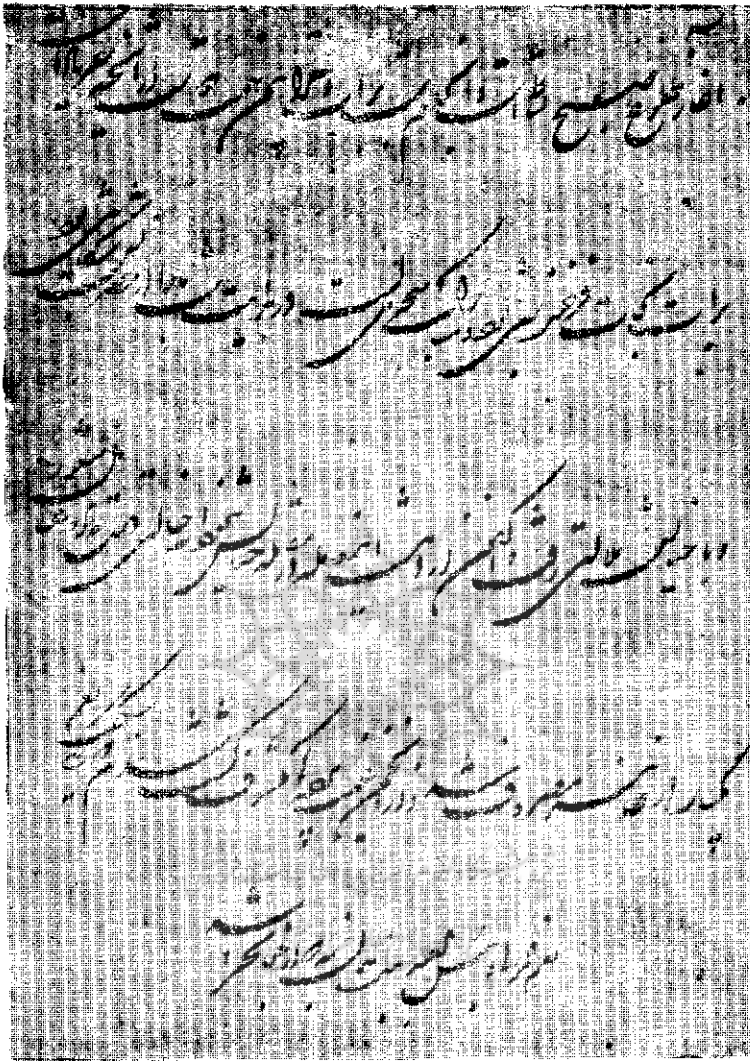
(معرفی مؤلف)

گفتیم که «آخرین مأموریت» هم دلبذیر است و هم سودمند و هم آموزنده . میگویم و میآیمش از عهده برون . دلبذیر است برای آنکه با خاطر روشن و کاغذ خوب و عبارت روان و انشای درست و بزبان فارسی حسابی و جلد ساده بچاپ رسیده است . از آنجائی که مؤلف با فضل و کمال برعکس اکثریت کامل جوانان امروزی مادرای خط‌نسخ و نستعلیق و شکسته بسیار خوب و اعلامی است نمونه‌ای از آنها در روی جلد کتاب نشان داده است بطوری که چشم و دل از تماشای آن محفوظ گردد نه آنکه بانگیزه خام فرنگی‌مآبی و تقلید خام کودکانه عنوان کتاب را با حروف کج و موج از من درآوردی و نقوش عجیبی که چوب کبریت و شاخه خاردار درختان و خط‌چینی و میخی و جانوران شاخدار را بخاطر میآورد بنویسد که احدی از عهده خواندن بر نیاید و محتاج رمل و اسطرلاب باشد .

از آنجائی که مؤلف محترم همه فن حریف است و نقاشی هم میداند گذشته از تصاویر و نقشه‌ها و عکسهای متعدد نمونه‌ای از مینیاتورهای راهم که عمل خود اوست در کتاب آورده است و الحق میتوان گفت که درین میدان نیز کمیتش لنگ نیست .

۱ - «آخرین مأموریت» در طهران در آذرماه ۱۳۴۲ شمسی در چاپخانه بهمن

بچاپ رسیده است .



(نمونه‌ای از خط « شکسته نستعلیق » مؤلف)

مؤلف «ری است دنیا دیده و سرد و گرم چشیده و میتوان گفت که تمام صفحه خاک ایران را وجب بوجب پیموده است» اصلاً یزدی است چون جداعلایش سیدمحمدتقی موسوی معروف به «مستجاب الدعوه» در زمان فتحعلی‌شاه از یزد باصفهان آمده بوده است . اما

۱ - خوداو (در صفحه ۹۰) میگوید «تمام شهرهای ایران را مسافرت کرده‌ام»

پدر و مادرش هر دو اهل اصفهان و از دودمان علم بوده‌اند و خود او نیز در اصفهان و از قضا در همان محله پیدآباد که مسکن خانوادگی راقم این سطور است بدنیا آمده‌است. پسر عمویش مرحوم سید عبدالوهاب معین‌العلماء که در اوایل مشروطیت در طهران روزنامه «نیراعظم» می‌نوشت از دوستان بسیار رایگان پدرم بود و من داستانهای بسیار شنیدنی از آن شهید عزیز و محترم در خاطر دارم. معزالدین مهدوی هم (باز از قضا) در همان مسجد سید که من در طفولیت در آنجا بکتاب می‌رفتم بکتاب می‌رفته است و باز هم از قضا در نزد معلمی باسم ملا تقی درس می‌خوانده‌است و می‌نویسد درس را با «عمه‌جزوه» شروع نموده‌است و ایرادی که برایشان وارد می‌سازم این است که ما اصفهانیها به «عمه‌جزوه» طهرانیا «پنج‌لهم» (بفتح اول و سکون دوم و کسر ثالث و سکون چهارم و هاء مکسور) می‌گوئیم و شاید اصل این کلمه «پنج‌الحمد» باشد. از اصفهان بطهران آمد و پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۱۱ شمسی رسماً وارد خدمت دولتی در وزارت فرهنگ شده است و از آن پس بمأمورینهای گوناگون فرهنگی (دبیری و ریاست فرهنگ و بازرسی و غیره) در اقطار خاک ایران مسافرت‌های دور و دراز نموده است. از اصفهان مأمور همدان می‌گردد و در آنجا کتابی بنام «همدان نامه» تألیف نموده است که خلاصه آن بچاپ رسیده‌است. از همدان در سال ۱۳۱۴ بمشهد منتقل گردید و سه سال در آنجا مشغول خدمات فرهنگی بوده است. در ظرف این شش سال اول خدمت موفق گردید مقداری کتاب تألیف نماید که تاکنون نوزده جلد از آنها بچاپ رسیده و از آن جمله است:

« اثر علمی منارجنبان اصفهان »

« يك دوره فیزیک بنام حکمت طبیعی »

« يك دوره شیمی »

« دو کتاب حساب و هندسه »

« کتاب دربارهٔ رصدوزیج »

« آثار باستانی اصفهان »

« فردوسی و شاهنامه و جنگ یازده رخ »

« رساله در باب پاندول فوکو » که بعد از نصب پاندول فوکو در مسجد جامع همدان تألیف گردیده است .

در سال ۱۳۱۷ وارد کادرداری گردید و بسمت معاونت فرهنگ آذربایجان شرقی به تبریز رفت. از آن پس متدرجاً بریاست فرهنگ شهرستانهایی از قبیل همدان و شیراز و رضایه و گیلان و اصفهان و کرمانشاهان منصوب گردید و در هر يك از این استانها چندسالی مشغول انجام وظیفه بوده و رویهمرفته سی سال خدمتگزار علم و فرهنگ بوده است و ضمناً بنا بدعوت امریکا نیز چند ماهی برای مطالعه در روش تدریس مدارس متوسطه بامریکا رفته است و در این باره سفرنامه مفصلی نوشته است که امید است هر چه زودتر بچاپ برسد.

۱ - اگر بجلد اول «سروته يك كراباس» مراجعه فرمائید صدق این مطلب دستگیرتان خواهد شد .

خلاصه آنکه همچنانکه خود او مینویسد تمام ایران را با سمت رسمی دیده‌ام و یا
 مأموریت دایم داشته‌ام و یا بسمت بازرسی رفته‌ام.

خود او درجائی از کتابش میفرماید من از سال ۱۳۰۶ الی حال که سال ۱۳۴۲
 میباشد مدام در سفر بوده‌ام و مسافرت زیاد کرده‌ام و در دهات و شهرها و ایلات و عشایر
 زندگی کرده‌ام و تمام ایران را دیده‌ام و چه بسا مجبور بوده‌ام در قهوه‌خانه‌ها و لبتنور تا
 صبح بیتوته کنم. (صفحه ۱۵۴).

اینک تصدیق میفرمائید که با چنین قافله‌سالاری هم‌کاب شدن و در آخرین مسافرت
 رسمی او همراه او برای افتادن بلا تردید بسیار دلپذیر و سودمند و آموزنده خواهد بود.

آخرین مأموریت او عبارت است از مسافرت دور و درازی که شرح آن در کتاب
 «آخرین مأموریت» آمده و موضوع همین مقاله است.

حرکت از طهران

از طهران شروع میگردد و از راه شاهرود و نیشابور و مشهد و گناباد و بیرجند
 بزاهدان میرسد و از آنجا از طریق خاش و ایرانشهر و بمپور بچاه‌بهار و از آنجا باز از همین
 راه بزاهدان بر میگردد و از زاهدان به بم و از آنجا از راه سبزواران و کهنوج به میناب
 در ساحل دریای عمان و از آنجا به بندرعباس میرود و از آنجا به لنگه و از لنگه از راه فین و
 سیرجان بکرمان مراجعت مینماید و سپس از طریق رفسنجان و یزد و نائین و اصفهان
 بطهران بر میگردد.

مسافرتی است ۲۲ هزار کیلومتری (دو هزار فرسنگ) که ۸۰ روز (مانند سفر
 هشتاد روزه دور دنیا) تألیف نویسنده نامی فرانسوی ژول ورن) طول کشیده است و یقین
 دارم که نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا کمتر کسی پیدا شود که میل و شوق و رغبت چنین
 مسافرت و سیروسیاحتی را نداشته باشد.

طالع سازگار مرا چاوش سیروسیاحتی نموده است که در مصاحبت مرد دانا و فاضلی
 چون مهدوی دست می‌دهد و حکم زیارت را پیدا میکند و بی‌درنگ برای میافتم و برای آنکه
 چنین مسافرت فرخنده‌ای برای خوانندگان نیز بی‌خیروبرکت نباشد پاره‌ای از مشاهدات
 را که حاین فایده بیشتری است ذیلاً بر رسم حکایت نقل مینمایم:

در مشهد مسجد مشهور گوهرشاد در قسمت جنوبی حرم مطهر حضرت رضا واقع
 است. این مسجد که یکی از بهترین آثار معماری ایران بشمار می‌آید در سال ۸۲۱ بوسیله
 گوهرشاد آغا همسر شاهرخ تیموری ساخته شده است و گنبدی‌ای بخط بایسنقر ثلث‌نویس
 معروف دارد که بسیار نفیس و گرانبهاست و چنانکه میدانید بایسنقر در خط ثلث بهترین
 خطاط شناخته شده است همچنانکه میرعماد حسنی قزوینی (که بدستور پنهانی شاه عباس
 بقتل رسید) در خط نستعلیق و درویش عبدالمجید طالقانی در خط شکسته و خواجه اختیار-
 الدین منشی در خط تعلیق و احمد نیریزی در خط نسخ دارای شهرت کامل هستند.

(صفحه ۹ از کتاب)

در تربت حیدریه بامشکلی دست بگریبان می‌شویم باین معنی که مهمانخانه‌ای که در آنجا منزل کرده‌ایم مستراح ندارد و جایی را بنام مستراح بمانشان می‌دهند که بنایت کثیف است که انسان اگر پاك باشد و آنجا برود قطعاً نجس بیرون می‌آید .
(صفحه ۱۱ و ۱۲)

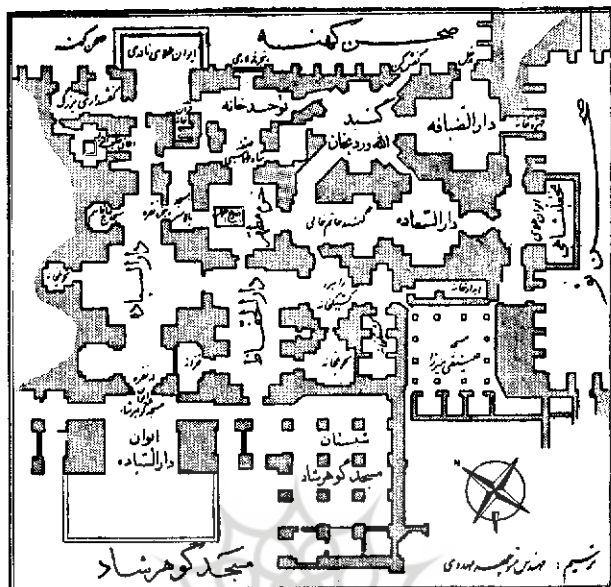
دراویش گنابادی

در گناباد که نام دیگر تاریخی آن جویمنداست در مسجد وارد شدیم. مسجد نسبت به نظیفی است ولی مستراح ندارد و ناچار مستراح اداره پست و تلگراف را مورد استفاده قرار می‌دهیم. از جویمند به بیدخت که قریه دیگری از شهرستان گناباد است رفتیم. این قریه سابقاً خیلی کوچک و خراب بوده است ولی بعد از آنکه مرحوم سلطانعلیشاه از آنجا برخاست کم کم رونق یافت و اکنون صاحب آب و آبادانی شده و مقبره سلطانعلیشاه در آنجاست. سلطانعلیشاه نسبت طریقه خود را بشاه نعمت‌الله ولی و شاه نعمت‌الله نسبت طریقه خود را به معروف کرخی در بان حضرت رضا میرساند و لهذا . . . منسوب به سلطانعلی شاه را نعمت‌اللهی سلطانعلیشاهی و یا گنابادی می‌نامند. سلطانعلیشاه که نامش سلطان محمد بود از قریه بیدخت گناباد برخاست وی از اکابر علما و اعظم حکما و عرفاست و در سال ۱۲۵۰ هجری قمری در بیدخت تولد یافته و صاحب تالیفات بسیار بعربی و فارسی است که از آن جمله است «مجمع العادات» بفارسی و «بیان السادات» بعربی که بهترین تفسیر قرآن است بمذاق عرفانی، سلطانعلی شاه از تربیت یافتگان حاجی محمد کاظم طاووس‌العرفای اصفهانی است که او را ساداتعلی شاه خوانده‌اند و بعدها خلیفه و جانشین او گردید و در سنه ۱۳۲۷ هجری قمری شهادت رسید و در همان قریه بیدخت مدفون گردید. (۹) شرح حال آن مرحوم را نبیره اش آقای حاجی سلطانحسینی تابنده در کتاب «نابغه علم و عرفان» بتفصیل بیان فرموده است. اکنون آقای شیخ محمد حسن صالح‌علیشاه فرزند و خلیفه مرحوم ملاعلی گنابادی نورعلیشاه ثانی است که از جمله تالیفاتش یکی هم رساله «بند صالح» است که همانا دستورالعمل برای مریدان و بلکه حکمت عملی برای قاطبه مسلمانان است .

آقای مهدوی درین مورد شرح بسیار ممتعی درباره مکتب عرفان از عبارات خود عرفا نقل فرموده است که بسیار خواندنی و جامع است و طالبین می‌توانند بخود کتاب «آخرین ماموریت» (صفحات ۱۶ تا ۱۸) مراجعه نمایند ولی دریغ است که نتیجه آن بیانات را که کاملاً با عقیده و نظر ارقم این سطور موافقت دارد در اینجا نقل ننمائیم .

«بزرگترین وجه تصوف جنبه آزاد فکری آنست که صوفی صافی حقیقت را در همه مذاهب می‌بیند و معتقد است که راههای وصول بخدا بتعداد افراد انسانی است ، تا

(۱) افسوس که شرح شهادت و علت آن در «آخرین ماموریت» مذکور نگردیده است و نگارنده ادعای غبن دارد .



(نقشه حرم مطهر حضرت رضاعلیه السلام و رواقهای اطراف حرم)

آنجا که حافظ میگوید: هر پرستشگاهی بهتر از خود پرستی»

(صفحه ۱۸)

نگارنده نیز تصوف خودمان را که بدبختانه جوانان خام و بی‌خبر ما بامسخره و طعن و طنز از آن سخن میراقتند بهترین طریقه فلسفی دنیای امروز (ودیروز و فردا) میدانم و از جمله مطالبی که درین خصوص نوشته‌ام یکی هم جمله ذیل است:

«اگر بکلام صاحب «مثنوی» جلال‌الدین محمد مولوی رومی معتقد باشیم که

میفرماید:

«ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی تو استخوان و ریشه‌ای»

یعنی اصل و اساس را در عالم وجود معنی بدانیم و بخواهیم اهل معنی باشیم باید اعتراف نماییم که عالی‌ترین و شاداب‌ترین میوه‌ای که نهال نبوغ و قریحه ایرانی در بوستان تمدن بشری بوجود آورده است همانا اول‌کیش زرتشت است در زمان پیش از اسلام و دوم طریقه و مذهب تصوف است در دوره اسلامی (۹)».

(۱) رجوع شود بمقاله «مولوی و مثنوی» در کتاب «یادنامه مولوی» از انتشارات کمیسیون

ملی یونسکو در ایران، طهران، ۱۳۲۷ شمسی، صفحات ۱۰-۳۱.

زاهدان

اکنون میرسیم به زاهدان و سراغ امیرتوکل کامبوزیا میرویم. این شخص مرد تحصیل کرده است و در چند کیلومتری شهر محلی را آباد و آنرا کلاته کامبوزیا موسوم کرده است و در آنجا اقامت گزیده زندگی مینماید. قناتی حفر کرده، گاو و گوسفندی دارد و زراعت میکند و کتابخانه مفصلی هم دارد و حتی با بعضی از زبانهای خارجی هم آشناست و ضمناً زنهای متعددی هم دارد که هر یک قسمتی از برنامه زندگی او را اداره میکنند و اگر از تعدد زوجاتش سؤال کنیم جواب میدهد. دهمنی و ثلاث و رباع و خماس... رویهمرفته مردی است دیدنی که باهمت پشتکار محلی را آباد کرده و بمافیت رسیده است و بسیاری از هموطنان ما میتوانند او را سرمشق قرار بدهند. (صفحه ۲۴)

(ناتمام)

خوانندگان محترم توجه فرمایند

در صفحه هفدهم شماره هشتم هنگام چاپ قطعه شبمرداد اثر جناب آقای دکتر رعدی ضمن حروفچینی ابیاتی از قلم افتاده است با اظهار تاسف از این موضوع متن کامل قطعه مذکور در شماره آینده چاپ خواهد شد امیدواریم خوانندگان گرامی بدین معنی توجه فرمایند.